



غلامحسین ابراهیمی دینانی: حکمت را در آثار ادبای ایرانی جستجو کنیم / عرفان؛ راه وحدت ادیان

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: حکمت ها در ادبیات فارسی نهفته است که قرن ها از آن غافل بوده اند. ای کاش به جای آثار افلاطون و ارسطو و کانت و هگل، حکمت را در آثار فاخر ادبای ایرانی جستجو کنیم.

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: حکمت ها در ادبیات فارسی نهفته است که قرن ها از آن غافل بوده اند. ای کاش به جای آثار افلاطون و ارسطو و کانت و هگل، حکمت را در آثار فاخر ادبای ایرانی جستجو کنیم.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی در نشست حکمت در ادبیات ایران که عصر امروز در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، سخنان خود را با بیان این بین شعر از عطار نیشابوری آغاز کرد: «ای روی درکشیده به بازار آمده. خلقی بدین طلسم گرفتار آمده» و گفت: حکمت ایرانی در جامعه ما قرن ها جایش خالی بوده است و حکمت ها در ادبیات و زبان فارسی نهفته است که قرن ها مردم از آن غافل بوده اند و ای کاش این طلیعه ای باشد تا به جای اینکه حکمت را در آثار ارسطو، افلاطون، کانت، هگل و... بجویم آن را در آثار فاخر ادبای ایرانی جستجو کنیم اما متأسفانه تا کنون ندیده اند.

وی ادامه داد: مولوی، نظامی گنجوی و... اگرچه در مناطق دیگری بودند اما به زبان فارسی شعر سرودند. خراسان بزرگ مهد شعر بوده و نخستین شاعر فارسی زبان نیرومند رودکی است که اهل ایران است اما اکنون در تاجیکستان است. در خود فردوسی هم حکمت وجود دارد.

وی با اشاره به اینکه ظاهراً عطار میانه ای با فلسفه ندارد، اما در آثارش به حکمت بد نمی گوید افزود: «کاف کفر ای جان به حق المعرفه خوشترم آید ز فاء فلسفه. چون که این علم لزج چون ره زند بیشتر بر مردم آگه زند..» شعر مرواریدی از دریای عقل است. باید در دریای عقل شناوری کرد و یکی از شناوران دریای عقل و حکمت عطار است. در مقام عرفان نمی توان درباره او صحبت کنم که در آن هم مقام بسیار بالایی دارد تا جایی که مولوی خودش را پیرو عطار می داند و می گوید ما از پی سنایی و عطار آمده ایم. خیام و عطار که هر دو رند هستند در نیشابور آرامیده اند.

این استاد فلسفه با اشاره به اینکه وحدت ادیان و گفتگوی بین طرفداران ادیان الهی همیشه یکی از مسائل مهم تاریخ بوده است اظهار کرد: حال این سوال پیش می آید که ادیان چه زمانی می توانند بهم نزدیک شوند و من در پاسخ می گویم زمانی که عطار را بخوانند. یعنی عرفان راه وحدت ادیان است. عرفان ما را به جایی می برد که جز وحدت به کثرت نیندیشیم. اگر همه اینها وحدت را بفهمند آن موقع کثرت ناچیز است.

این چهره ماندگار فلسفه پیام عرفان را ابدی دانست و گفت: هیچ پیامی به ابدیت پیام عرفان نیست، هیچ ایدئولوژی پیامش ابدی نیست و هیچ کس نمی تواند یک مورد پیدا کند که پیامش ابدی باشد در صورتی که پیام عرفان ابدی است؛ چراکه به اصل برمی گردد. اگر موجودات بخواهند به اصل خودشان برگردند به وحدت روی می برند. عطار در همه تعلیماتش یک پیام دارد؛ او می گوید به خود بمیر و به حق زنده باش. خداوند انسان را به خود می میراند و به حق زنده نگه می دارد.

ابراهیمی دینانی توضیح داد: آیا از فانی به خود و بقای به حق جاودانه تر هم داریم؟ یک عارف هندی می گوید آسمان، زمین و من از یک ریشه ایم. عطار هم در شعری می گوید که اگر نقاب بردارد هیچ اختلافی در بازارهای گوناگون باقی نمی ماند. در واقع ما همه شاخه های یک درختیم و تمام مشکلات ما این است که توحید را نمی فهمیم.

وی در ادامه با طرح این سوال که در توحید باید به یک موجود که واحد است برسیم یا به وحدت؟ بیان کرد: اگر به وحدت برسیم آیا کثرت عرض اندامی دارد؟ این در عین ساده بودن سخت ترین مسئله است، چه موجودی است که قرار است تا ابد بماند؟ عطار می گوید که پروردگارا غیر از تو هر چه هست سراب و نمایش است. برای یک موحد تمام دنیا یک نمایش است و حقیقت حق تعالی است. حضور خداوند حلول نیست که در اشیاء حضور یابد بلکه اینها همه جلوه و ظواهرند.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش به دیدگاه عطار درباره حلول و اتحاد پرداخت و افزود: عطار می گوید حلول و اتحاد کفر است؛ چراکه در حلول، محل و حال نیاز است بلکه فهم وحدت در عین ساده بودن بسیار سخت است. وحدت غیب نیست، خداوند در محل و حال نمی گنجد. وحدت یک جلوه است. عطار هم به زبان امروزی از فنومن می گوید، اما فنومنی که عطار می گوید با آنچه که فلاسفه غربی می گویند متفاوت است. فنومن به معنی چیزی است که پدیدار می شود. پدیدارشناسی عطار دقیق تر از پدیدارشناسی عصر جدید است.

وی در ادامه با اشاره به اشعاری از عطار تصریح کرد: همچنان که امواج از اعماق دریا شروع می‌شوند یعنی جهان موجی از حق تعالی است و این تشبیهی است که عطار می‌کند. این حکمت ایرانی در شعر فارسی است و در واقع تشبیهی از جلوه‌های حق تعالی است. عطار در تشبیه عالم دیگر می‌گوید عالم دیگر هم مانند این عالم روشن است، یعنی عالم انوار است، اما انوار آن عالم، منور به نور آگاهی و معنویت است. عطار در پایان می‌گوید که عوالم گوناگون ظواهر حق تعالی است و این همان توحید است.

استاد فلسفه اسلامی در پایان یادآور شد: عوالم گوناگون جلوه‌های گوناگون خداوند است. ادبیات فارسی گنجینه‌ای از حکمت است که باید با آن آشنا شویم و بیشتر به آن بپردازیم. این محرومیت ماست که به این گنجینه نپرداختیم. انگلیسی‌ها یک شکسپیر دارند ببینید چقدر قدرش را می‌دارند در صورتیکه در مقابل عطار چیزی نیست.